

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مئة منقبة من

مناقب أمير المؤمنين (عليه السلام) و الأئمة من ولده (عليهم السلام)

من طريق العامة



مؤلف:

ابوالحسن محمد بن احمد بن على (ابن شاذان القمي)

تحقيق:

عبدالله مختارى و مجتبى بختيارى

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	این شاذان، محمدبن احمد، ۳۳۵ - ۴۲۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور	Ibn-Shadhan, Mohammad Ibin Ahmad مئة منقبة من مناقب امير المؤمنين عليه السلام والائمة من ولده عليهم السلام من طريق العامة/مولف ابوالحسن محمدبن احمدبن علي (ابن شاذان القمي): تحقيق عبدالله مختاري بهمني و مجتبی بختیاری.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۱۱۴ ص؛ ۱۴×۵/۲۱ م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۸۸-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۱۵ - ۱۱۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - فضایل - احادیث
موضوع	Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Virtues -- Hadiths
موضوع	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - مدایح و مناقب
موضوع	Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Eulogies
موضوع	ائمة اثناعشر - احادیث Imams (Shiites) -- Hadiths
	احادیث شیعه - قرن ۵ق. Hadith (Shiites) -- Texts -- 11th century
شناسه افزوده	مختاری، عبدالله، ۱۳۷۱ -
شناسه افزوده	بختیاری، مجتبی، ۱۳۷۴ -
رده بندی کنگره	BP۳۷/۴
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	۹۰۸۳۴۹۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

نام کتاب	مئة منقبة من مناقب أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> و الأئمة من ولده <small>عليه السلام</small> من طريق العامة
ناشر	چتر دانش
مترجم	عبدالله مختاری بهمنی، مجتبی بختیاری
نوبت و سال چاپ	اول - ۱۴۰۱
شمارگان	۵۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۸۸-۰
قیمت	۶۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

۸.....	حیات مؤلف
۱۰.....	منقبة ۱
۱۱.....	منقبة ۲
۱۳.....	منقبة ۳
۱۴.....	منقبة ۴
۱۵.....	منقبة ۵
۱۶.....	منقبة ۶
۱۷.....	منقبة ۷
۱۸.....	منقبة ۸
۱۹.....	منقبة ۹
۲۰.....	منقبة ۱۰
۲۱.....	منقبة ۱۱
۲۲.....	منقبة ۱۲
۲۳.....	منقبة ۱۳
۲۴.....	منقبة ۱۴
۲۵.....	منقبة ۱۵
۲۶.....	منقبة ۱۶
۲۷.....	منقبة ۱۷
۲۸.....	منقبة ۱۸
۲۹.....	منقبة ۱۹
۳۰.....	منقبة ۲۰
۳۱.....	منقبة ۲۱
۳۲.....	منقبة ۲۲
۳۳.....	منقبة ۲۳
۳۴.....	منقبة ۲۴
۳۵.....	منقبة ۲۵
۳۶.....	منقبة ۲۶

٣٧.....	منقبة ٢٧.....
٣٨.....	منقبة ٢٨.....
٣٩.....	منقبة ٢٩.....
٤٠.....	منقبة ٣٠.....
٤١.....	منقبة ٣١.....
٤٢.....	منقبة ٣٢.....
٤٣.....	منقبة ٣٣.....
٤٤.....	منقبة ٣٤.....
٤٥.....	منقبة ٣٥.....
٤٦.....	منقبة ٣٦.....
٤٧.....	منقبة ٣٧.....
٤٩.....	منقبة ٣٨.....
٥٠.....	منقبة ٣٩.....
٥١.....	منقبة ٤٠.....
٥٢.....	منقبة ٤١.....
٥٣.....	منقبة ٤٢.....
٥٤.....	منقبة ٤٣.....
٥٥.....	منقبة ٤٤.....
٥٦.....	منقبة ٤٥.....
٥٧.....	منقبة ٤٦.....
٥٨.....	منقبة ٤٧.....
٥٩.....	منقبة ٤٨.....
٦٠.....	منقبة ٤٩.....
٦١.....	منقبة ٥٠.....
٦٢.....	منقبة ٥١.....
٦٣.....	منقبة ٥٢.....
٦٤.....	منقبة ٥٣.....

٦٥.....	منقبة ٥٤
٦٦.....	منقبة ٥٥
٦٧.....	منقبة ٥٦
٦٨.....	منقبة ٥٧
٦٩.....	منقبة ٥٨
٧٠.....	منقبة ٥٩
٧١.....	منقبة ٦٠
٧٢.....	منقبة ٦١
٧٣.....	منقبة ٦٢
٧٤.....	منقبة ٦٣
٧٥.....	منقبة ٦٤
٧٦.....	منقبة ٦٥
٧٧.....	منقبة ٦٦
٧٨.....	منقبة ٦٧
٧٩.....	منقبة ٦٨
٨٠.....	منقبة ٦٩
٨١.....	منقبة ٧٠
٨٢.....	منقبة ٧١
٨٣.....	منقبة ٧٢
٨٤.....	منقبة ٧٣
٨٥.....	منقبة ٧٤
٨٦.....	منقبة ٧٥
٨٧.....	منقبة ٧٦
٨٨.....	منقبة ٧٧
٨٩.....	منقبة ٧٨
٩٠.....	منقبة ٧٩
٩١.....	منقبة ٨٠

٩٢.....	منقبة ٨١
٩٣.....	منقبة ٨٢
٩٤.....	منقبة ٨٣
٩٥.....	منقبة ٨٤
٩٦.....	منقبة ٨٥
٩٧.....	منقبة ٨٦
٩٨.....	منقبة ٨٧
٩٩.....	منقبة ٨٨
١٠٠.....	منقبة ٨٩
١٠١.....	منقبة ٩٠
١٠٢.....	منقبة ٩١
١٠٣.....	منقبة ٩٢
١٠٤.....	منقبة ٩٣
١٠٥.....	منقبة ٩٤
١٠٦.....	منقبة ٩٥
١٠٧.....	منقبة ٩٦
١٠٨.....	منقبة ٩٧
١٠٩.....	منقبة ٩٨
١١٠.....	منقبة ٩٩
١١١.....	منقبة ١٠٠
١١٢.....	منابع

حیات مؤلف

ابوالحسن محمد بن احمد بن علی قمی معروف به ابن شاذان قمی در میانه سال‌های ۳۷۴ تا ۴۶۰ در قید حیات بوده است بنابراین او از علمای قرن چهارم و پنجم هجری است.

اولین محلی که برای زندگی او ذکر شده، شهر کوفه است که در آنجا در سال ۳۷۴ هجری از حسین بن احمد روایت شنیده است.

این نام، مشترک بین دو نفر است؛ محمد بن احمد بن شاذان قمی که فرد مورد بحث ما است و ابوالفضل، علی بن حسن بن شاذان که از علمای اهل سنت است و صاحب تألیفاتی نیز است.

ابوالحسن ابن شاذان قمی از محدثان شیعه است که از افراد فراوانی روایت نقل کرده و محضر بسیاری از علمای شیعه و سنی را درک کرده است.

استادان و شاگردان

برخی مشایخ او عبارت‌اند از: پدرش احمد بن علی، که از علما و مؤلفین شیعه بوده و ابن رثاب کتاب «فضایل أمير المؤمنين (علیه السلام)» را از او نقل کرده است، ابن قولویه صاحب کتاب شریف «کامل الزیارات» که دایی ابن شاذان است، شیخ صدوق، هارون بن موسی تلعبری و...

از جمله شاگردان و روات احادیث ابن شاذان می‌توان به بزرگانی چون شیخ طوسی، نجاشی (صاحب رجال) و کراجکی (مؤلف کنزالفوائد) اشاره نمود.

آثار

آنچه از تألیفات ابن شاذان به دست آمده عبارت است از: بستان الکرام، البیان فی رد الشمس لأمیر المؤمنین (علیه السلام)، المناقب (غیر از مائة منقبة)، ایضاح دفائن النواصب.

کتاب حاضر

کتاب «مأة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة من ولده (علیه السلام) من طریق العامة» معروف به «فضایل ابن شاذان» است که ابوالحسن محمد بن احمد بن علی، معروف به ابن شاذان قمی و از بزرگان شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری آن را تألیف کرده است.

برخی این کتاب را همان «ایضاح دفائن النواصب فی مأة منقبة من مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام)» دانسته‌اند اما شیخ آقابزرگ مأة منقبة را کتابی در فضایل اهل بیت (علیهم السلام) و ایضاح دفائن النواصب را کتابی دیگر از ابن شاذان و در ردّ مخالفین اهل بیت و شیعه می‌داند. نسخه این کتاب تا قرن ۱۴ ه در کتابخانه حاج میرزا یحیی اصفهانی موجود بوده؛ اما هم‌اکنون اثری از آن یافت نمی‌شود.

کتاب حاضر از منابع مهم روایی شیعه است که بزرگانی چون ابوالفتح کراچکی، سید ابن طاووس، علامه مجلسی، سیدهاشم بحرانی و علامه امینی در کتب خود از آن نقل کرده‌اند.

مؤلف از میان اخبار متعدد، یک‌صد روایت را گلچین کرده است و این امر باعث شده روایاتی بسیار زیبا و بشارت‌دهنده به شیعیان جمع‌آوری گردد. مهم‌تر از آن، مقبولیت کتاب نزد مخالفان است. چنان‌که بزرگانی از اهل تسنن به آن اعتماد کرده و مطالب و روایات آن را در کتاب‌هایشان آورده‌اند، مانند خوارزمی در دو اثرش مناقب و مقتل الحسین (علیه السلام)، ابو عبیدالله شافعی در کفایة الطالب، حموینی در فرائد السمطین.

منقبة ۱

قال رسول الله ﷺ: «أنا سيّد الأوّلين و الآخريّن و أنت يا عليّ سيّد
الخلايق بعدى و أولنا كأخرينا و آخرينا كأولنا»

منقبة ٢

عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إنَّ عليَّ بنَ أبي طالب أفضل خلق الله تعالى غيري و الحسن و الحسين سيّدا شباب أهل الجنّة و أبوهما خير منهما و إنَّ فاطمة سيّدة نساء العالمين و إنَّ عليّاً خطبني و لو وجدتُ لفاطمة خيراً من عليٍّ لم أزوّجها منه»^١.
 روى هذا الحديث بعدة طرق و أسانيد عن عدة من الأئمة عليهم السلام و الصحابة نذكر منهم:

الإمام عليّ عليه السلام روى الحديث عنه: الصدوق في الخصال: ٦٠٢ ح ٥٢ في حديث، عنه البحار: ٣٤ / ٦٢ ح ٤٢ و أخرجه ابن شهر آشوب في المناقب: ٣ / ٤٠١ عن كتاب أبي بكر الشيرازي بإسناده عن مقاتل بن محمّد بن الحنفية، عن أبيه عليه السلام، عنه البحار: ٣٤ / ٦٣.
 الإمام الصادق عليه السلام روى الحديث عنه: الصدوق في معاني الأخبار: ٧٠١ ح ١ بإسناده الى المفضل بن عمر عنه البحار: ٣٤ / ٦٢ ح ٥٢.
 سيدة نساء العالمين فاطمة عليها السلام أخرج الحديث عنها: القندوزي في ينابيع المودة: ٥٦٢.

عبدالله بن عباس روى الحديث عنه: الصدوق في الأمالي: ٥٤٢ ح ٢١ و ٣٩٣ ح ٨ بطريقتين عنه البحار ٣٤ / ٤٢ ح ٥٢ و العوالم ١١ / ٤٤.
 و رواه الديلمي في الفردوس، عنه البحار: ٣٤ / ٦٧، و السيوطي في تاريخ الخلفاء: ٤١١.

١. همين روايت با اندكى تفاوت در لفظ در بحار الانوار نقل شده است. «عليّ أفضل من خلق الله غيري و الحسن و الحسين سيّدا شباب أهل الجنّة و أبوهما خير منهما و إنَّ فاطمة سيّدة نساء العالمين و لو أنّ لفاطمة خيراً من عليٍّ لم أزوّجها منه». بحار الأنوار؛ ج ٥٧؛ ص ٣٠٢.

و أورده ابن أبي الحديد في شرح نهج البلاغة: ٢ / ٧٥٤ مرسلًا -
عائشة روى الحديث عنها:

الحافظ أبو داود الطيالسي في المسند: ٦٩١، و ابن سعد في
الطبقات الكبرى: ٨ / ٦٢، و النسائي في الخصائص: ٩١١، و الحاكم
النيسابوري في المستدرک: ٣ / ٦٥١.

و أخرجه النهانى البيروتى في جواهر البحار: ١ / ٠٦٣، و السيوطى
في الخصائص: ٢ / ٨١، و في الجامع الكبير: ٧ / ٤٣٧ (المطبوع في
هامش جامع الأحاديث) و المتقى الهندى في كنز العمال: ٥ / ٧٩ و
ج ٣١ / ٥٩، و القلندر الهندى في الروض الازهر: ٣٠١، و الزبيدّى
الحنفى في اتحاف السادة المتقين: ٦ / ٤٤٢.

و رواه أبو نعيم في حلية الأولياء: ٢ / ٩٣ بثمانية طرق عن عائشة،
و الخوارزمى في مقتل الحسين: ١ / ٤٥، و البغوى في مصابيح السنة:
٢ / ٤٠٢، و ابن الأثير الجزرى في أسد الغابة: ٥ / ٢٢٥، و الذهبى
في تاريخ الإسلام: ٢ / ٤٩، و العسقلانى في الإصابة: ٤ / ٨٧٣، و
ابن عبد البر في الاستيعاب ٤ / ٥٧٣، و البدخشى في مفتاح النجا:
٢١ (مخطوط).

و أخرجه النقشبندى في صلح الاخوان: ٦١١ عن صحيح مسلم.
و أخرجه الزبيدّى الحنفى في اتحاف السادة المتقين: ٧ / ٤٨١ عن
صحيحى البخارى و مسلم.

أخرجه عن بعض المصادر أعلاه في عوالم فاطمة عليها السلام: ١١ / ٤٤ -
١٥، و احقاق الحق: ١٠١ / ٧٢ - ١٤ و ج ٩١ / ٨١ - ٢٢.

منقبة ٣

عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: «سمى الحسن حسنا لأن يا حسان الله قامت السماوات والأرضون و اشتق الحسين من الإحسان و على و الحسن اسمان من أسماء الله تعالى و الحسين تصغير الحسن».

منقبة ۴

قال رسول الله ﷺ: «بى أنذرتم، و بعلى بن أبى طالب اهتديتم و قرأ: إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - و بالحسن أعطيتم الإحسان و بالحسين تسعدون و به تشقون، ألا و إن الحسين باب من أبواب الجنة، من عاداه حرم الله عليه ريح الجنة».

منقبة ٥

سعيد بن بشير عن عليّ بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:
 «أنا واردكم على الحوض و أنت يا علي السّاقى، و الحسن الرّائد،^١ و
 الحسين الامر، و علي بن الحسين الفارط،^٢ و محمّد بن علي النّاشر،
 و جعفر بن محمّد السّابق، و موسى بن جعفر محصى المحبّين و
 المبغضين و قامع المنافقين، و عليّ بن موسى مزين المؤمنين، و
 محمّد بن عليّ منزل أهل الجنّة في درجاتهم، و عليّ بن محمّد
 خطيب شيعته و مزوّجهم الحور العين، و الحسن بن علي سراج أهل
 الجنّة يستضيئوا به، و الهادي شفيعهم يوم القيامة، حيث لا يأذن الله
 إلّا لمن يشاء و يرضى».^٣

١. الرّائد: مقبض الرّيح الذي يقبض عليه الطّاحن و يديرها به. شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم؛ ج ٤، ص ٢٦٧٥. در بعضی نسخ «الذائد» آمده است.

٢. «رأد بمعنى رائد، و هو فعل بالتحريك بمعنى فاعل، كالفرط بمعنى الفارط». الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية؛ ج ٢، ص ٤٧٨.

٣. فرائد السمطين ٣/١٢٢ ح ٥٧٢. مقتل الحسين للخوارزمي ٩٤/١. ينابيع المودة ص ٢٦٥. المناقب لابن شهر آشوب ٢٩٢/١.

﴿ منقبة ۶ ﴾

عن عبدالله بن عمر قال قال النبي ﷺ: «يا علي أنا نذير أمتي وإنك هاديها و الحسن قائدها و الحسين سائقها و علي بن الحسين جامعها و محمد بن علي عارفها و جعفر بن محمد كاتبها و موسى بن جعفر محصيتها و علي بن موسى معبرها و منجيتها و طارد مبغضيتها و مدني مؤمنيتها و محمد بن علي قائدها و سائقها و علي بن محمد سائرها و عالمها و الحسن بن علي نادبها و معطيها و القائم الخلف ساقيةا و ناشدها و شاهدها- إن في ذلك لآيات للمتوسمين».

منقبة ٧

عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِنَّ اللَّهَ لَمَّا خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ دَعَاهُنَّ فَأَجَبْنَهُ فَعَرَضَ عَلَيْهِنَّ نَبَوْتِي وَوَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَبِلْتَاهُمَا ثُمَّ خَلَقَ الْخَلْقَ وَفَوَّضَ إِلَيْنَا أَمْرَ الدِّينِ فَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ بِنَا وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ بِنَا نَحْنُ الْمَحْلُوقُونَ لِحَلَالِهِ وَالْمَحْرَمُونَ لِحَرَامِهِ».

منقبة ۸

عن ابن عباس قال: «كنت جالسا بين يدي رسول الله ﷺ ذات يوم وبين يديه علي بن أبي طالب و فاطمة و الحسن و الحسين (عليهم السلام) إذ هبط عليه جبرئيل و بيده تفاحة فحيا بها النبي و حيا بها النبي ﷺ عليا فتحيا بها علي و ردها إلى النبي ﷺ فتحيا بها النبي و حيا بها الحسن (عليه السلام) فقبلها و ردها إلى النبي فتحيا بها النبي و حيا بها الحسين فتحيا بها الحسين و قبلها و ردها إلى النبي فتحيا بها النبي و حيا بها فاطمة فقبلتها و ردها إلى النبي و تحيا بها النبي ثانية و حيا بها عليا فتحيا بها علي ثانية فلما هم أن يردّها إلى النبي سقطت التفاحة من أطراف أنامله فانفلقت بنصفين فسطع منها نور حتى بلغ السماء الدنيا و إذا عليه سطران مكتوبان بسم الله الرحمن الرحيم هذه تحية من الله عزّ و جلّ إلى محمّد المصطفى و علي المرتضى و فاطمة الزهراء و الحسن و الحسين سبطي رسول الله و أمان لمحبيهم يوم القيامة من النار».

منقبة ٩

عن سليمان الأعمش عن جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام قال: قال: «رسول الله صلى الله عليه وآله يا علي أنت أمير المؤمنين و إمام المتقين يا علي أنت سيد الوصيين و وارث علم النبيين و خير الصديقين و أفضل السابقين يا علي أنت زوج سيّدة نساء العالمين و خليفة المرسلين يا علي أنت مولى المؤمنين يا علي أنت الحجّة بعدى على الناس أجمعين استوجب الجنة من تولاك و استحقّ دخول النار من عاداك يا علي و الذي بعثنى بالنبوّة و اصطفاني على جميع البريّة لو أنّ عبدا عبد الله ألف عام ما قبل الله ذلك منه إلا بولايتك و ولاية الأئمة من ولدك و إنّ ولايتك لا تقبل إلا بالبراءة من أعدائك و أعداء الأئمة من ولدك بذلك أخبرني جبرئيل ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ ١».

منقبة ١٥

عن ابن مسعود قال: كنت مع رسول الله ﷺ و قد أصحرت فتنفس الصعداء فقلت: يا رسول الله ما لك تتنفس؟ قال: يا ابن مسعود نعت إلى نفسي، قلت: استخلف يا رسول الله، قال: من؟ قلت: أبا بكر، فسكت، ثم تنفس فقلت: ما لي أراك تتنفس يا رسول الله؟ قال: نعت إلى نفسي، فقلت: استخلف يا رسول الله، قال: من؟ قلت: عمر، فسكت، ثم تنفس فقلت: ما لي أراك تتنفس يا رسول الله؟ قال: نعت إلى نفسي، فقلت: استخلف يا رسول الله، قال: من؟ قلت: علي بن أبي طالب قال: «اواه لن تفعلوه إذا أبدا و الله لئن فعلتموه ليدخلنكم الجنة»^١.

١. محقق اردبیلی بعد از بیان این روایت می فرماید: «و لا شك في صراحة هذه في الإمامة و الوصاية، و أنه لا يصلح لهما إلا أمير المؤمنين (عليه السلام) لا غيره خصوصا أبا بكر و عمر، و هو ظاهر، و في غيرها أيضا دلالة لمن يفهم فإنه يفهم منه أنه أحب خلق الله إلى الله و رسوله و أعلم و أفضى. و لا معنى مع ذلك لاختيار غيره لهما عليه، و هو ظاهر، و في أكثرها صراحة مثل كون الحق معه حيث كان. فافهم و تأمل و أنصف و أصلح نفسك يا أخي، و لا تقلد لئلا تهلك بعد البينة الواضحة و البرهان اللائح على ذلك». الحاشية على إلهيات الشرح الجديد للتجريد؛ ص ٢٨٣.